

فرانسوی‌ها از ترس واکنش ایران مانع بازداشت حاج رضوان شدند...

چکیده‌ای از تلاش‌های دامنه‌دار سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) برای بازداشت شهید حاج عماد مغنیه



• درآمد

تلاش‌های دامنه دار سرویس‌های جاسوسی و محافل امنیتی وابسته به دهه کشور جهان برای شناسایی حاج عماد مغنیه که سرانجام به شهادت او در روز ۱۳ فبریه در منطقه کفر سوسه در غرب دمشق منجر شد، پایان یافت. این تلاش‌ها حدود ۲۵ سال پیش، و از زمانی که مغنیه از سوی محافل غربی به دست داشتن در برنامه‌ریزی عملیات مسلحانه ضد صهیونیستی و نیروهای چند ملیتی مستقر در لبنان متهم شده بود، در محله الشیاح در جنوب بیروت آغاز شد. سرویس‌های جاسوسی و اطلاعاتی اسرائیل و آمریکا می‌کوشیدند اماکن استقرار و فعالیت و یا به قول خودشان، پناهگاه ایشان را شناسایی کنند. زیرا پس از حمله سال ۱۹۸۲ اسرائیل به لبنان و اشغال این کشور و در پی استقرار نیروهای چند ملیتی، متشکل از نیروهای آمریکا، فرانسه، انگلیس و ایتالیا در بیروت عملیات کیفی چشمگیری در مخالفت با استقرار آنها در لبنان روی داد، که به کشته شدن صدها نظامی اسرائیلی، آمریکایی و فرانسوی و انگلیسی منجر گردید. اتهامات حاج رضوان از سوی محافل غربی و میزان ترس و وحشت آنها از هرگونه اقدام برای بازداشت این مجاهد نستوه لبنانی را با هم می‌خوانیم:

سخت و یا ناممکن بود. در همان حال آقای امین جمیل رئیس جمهور وقت لبنان، همه افراد مظنون به انفجارها و بمب گذاری‌ها را آزاد کرده بود. کارگزاران سیا احتمال داده بودند که جمیل در ازای دریافت باج و یا بر اساس زد و بند، افراد مظنون را آزاد کرده بود. آزادی این افراد تلاش کارگزاران سیا را به نقطه صفر بازگرداند. تنها سندی که در اختیار داشتیم بریده گزارش مطبوعات بیروت از اظهارات سه نفر از اعضای سازمان جهاد اسلامی لبنان بود، که گفته می‌شد به عماد مغنیه ارتباط دارند. این خبر می‌توانست سرآغاز خوبی برای شروع کارمان باشد. ولی پیش از آغاز تلاش و جستجو، این پرسش‌ها را مطرح کردم که آیا عماد مغنیه با کمک این سه نفر در گروگان‌گیری دهها تن از اتباع خارجی در لبنان نقش داشته است؟ آیا سفارت آمریکا در بیروت توسط عوامل او در آوریل سال ۱۹۸۳ منفجر شده است؟ چگونه او توانست هیچ ردپایی از خود باقی نگذارد؟

عامل سازمان سیا می‌افزاید: «به درستی که عماد مغنیه برای آمریکایی‌ها یک معما شده بود. او در فرم تقاضای صدور گذرنامه مشخصات خود را چنین نوشته بود که در سال ۱۹۶۲ میلادی در روستای طبردا از توابع استان او مشکوک بودیم. چرا که اغلب شیعیان آواره جنوب لبنان که به اطراف بیروت مهاجرت کرده بودند، به منظور پرهیز از اتهام سکونت غیر قانونی در پایتخت از ذکر محل دقیق سکونت خویش خودداری می‌کردند. در اسناد منابع سازمان سیا گفته شده که خانواده مغنیه در یک خانه محقر و فاقد آب لوله کشی، در محله عین الدلبه، یکی از فقیر نشین‌ترین و جنوبی‌ترین محله‌های بیروت سکونت دارد، و او نیز در آن خانه به دنیا آمده است.»

واشنگتن فراهم شد تا در دوره کوتاه ویژه آموزش مبارزه با تروریسم شرکت کند. هیچ جایی بهتر از مرکز (C.T.C) برای گذراندن این دوره وجود نداشت. در این مرکز مانند پادوی آرشیو یک کتابخانه، به پرونده‌های سازمان سیا در بخش شیوه‌های مبارزه با تروریسم دسترسی داشتیم. اولین پرونده مورد علاقه‌ام که جلب توجه کرد، پرونده انفجار سفارت آمریکا در بیروت بود. در پی بررسی پرونده سبز

عامل سیا می‌گوید که عماد مغنیه برای آمریکایی‌ها یک معما شده بود. او مشخصات خود را در فرم تقاضای صدور گذرنامه چنین نوشته بود که در سال ۱۹۶۲ میلادی در روستای طبردا از توابع استان صورت متولد شده است. ولی با این وجود به مشخصات او مشکوک بودیم.

رنگ و پوسیده این حادثه، احساس سرفرکانگی سراسر وجود را فرا گرفت. مثل این که ظرف آب سردی را بر سرم ریخته باشند. چرا که جدیدترین اطلاعات این پرونده مربوط به دو سال پس از حادثه انفجار بود و این چند دلیل داشت: دلیل اول این است که حادثه مزبور به موقعیت سازمان سیا در لبنان آسیب جدی وارد آورد. زیرا با انتقال سفارت آمریکا از مرکز بیروت به ارتفاعات منطقه مسیحی نشین شرق بیروت، بیشتر عوامل و کارکنان مسلمان برگزیده خود را از دست دادیم. این عوامل امکان تردد از خطوط تماس درگیری میان مناطق مسیحی نشین و مسلمان نشین را از دست دادند. بازسازی شرایط گذشته، کاری بسیار

انفجار ستاد فرماندهی ارتش اسرائیل در شهر صور در جنوب لبنان، انفجار پایگاه تفنگداران نیروی دریایی آمریکا نزدیک فرودگاه بیروت، انفجار سفارت آمریکا در محله عین المریسه در ساحل غربی بیروت و نیز حمله به ستادهای فرماندهی نیروهای انگلیسی و فرانسوی در بیروت، بخشی از عملیات مجاهدان لبنانی را تشکیل داد، که اسرائیلیها در نتیجه این عملیات، به ناچار از بخش وسیعی از خاک لبنان عقب نشینی کرده و نیروهای چند ملیتی نیز وسائل و تجهیزات خود را جمع آوری کرده و از راهی که آمده بودند به کشورشان بازگشتند.

رابرت بایر افسر ارشد پیشین سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا-اسیا که روزگاری مأموریت جستجوی عماد مغنیه در لبنان را بر عهده داشت، چند سال پیش کتابی تحت عنوان سقوط سیا در سال ۲۰۰۱ منتشر کرد، و در آن تلاش‌های بیهوده خود را برای شناسایی عماد مغنیه شرح داده است. هر چند که نمی‌توان اظهارات رابرت بایر را صد در صد باور کرد، اما برخی از این اظهارات با واقعیت‌های آن مرحله شوکه‌مند از تاریخ پایداری و مقاومت شجاعانه مردم لبنان در برابر متجاوزان اسرائیلی و مهاجمان غربی مطابقت دارد. افسر ارشد سازمان سیا در کتابش نوشته است: «پس از این که محمد حسونه با کامیون حامل یک تن مواد منفجره وارد لابی ساختمان سفارت آمریکا در بیروت شد، این ساختمان ده طبقه‌ای حدود ۲۰ متر به هوا پرتاب شد و به شکل توده آوار پایین آمد. عماد مغنیه، محمد حسونه را برای این اقدام انتحاری (شهادت طلبانه) استخدام کرده بود. در پی این حادثه کارگزاران سیا در واشنگتن مرا به لبنان اعزام کردند و مأموریت یافتیم عماد مغنیه را شناسایی و تعقیب کنیم.»

بایر می‌افزاید: «پیش از اعزام به بیروت این فرصت در



عصام کمی مکث کرد و به چهره من خیره شد. سپس به همراهم جان رو کرد و از او پرسید: رابطت خیلی جدی سخن می گوید؟ جان سخنی نگفت و سرش را به علامت تأیید پایین آورد. عصام گفت: دو هزار دلار پیش پرداخت می خواهم و مبلغ ۲۰ هزار دلار پس از اجرای عملیات. به او گفتم: عماد را زنده می خواهم. عصام گفت: من نیستم... یک نفر دیگری را جستجو کن.

رابطت بایر اضافه می کند: این دیدار پایان یافت و عصام بصورت به جستجو و تعقیب عماد مغنیه ادامه می داد. به مدرسه دینی که عماد هفته ای یک شب در آن می خوابید سر می زد. عماد قرارگاه دائمی نداشت. بخوبی آگاه بود که افزون بر سازمان سیا، سازمان های جاسوسی و اطلاعاتی دیگری او را تعقیب می کنند. اجازه نداشت دو شب پیاپی در یک خانه و زیر یک سقف بخوابد. برای رد گم کردن همیشه از درهای اضطراری ساختمان ها خارج می شد. برای پیگیری فعالیت های او از چند دستگاه خودرو استفاده می کرد. یک هفته بعد با کمک شبیه نظامیان مسیحی دوباره با عصام بصورت در چهار راه گالری سمعان دیدار کردم. از او پرسیدم: آیا می توانی عماد مغنیه را برابری و تحویل دهی؟ عصام در پاسخ گفت: چند بار به شما گفتم که فقط می توانم او را به قتل برسانم. اگر فکر می کنی می توانم او را برابری داشته می کنی! در اطراف مدرسه دینی امکانی وجود دارد که می توانم خودروی بمب گذاری شده را در آن پارک کنم. در حال حاضر یکهزار کیلوگرم مواد منفجره از نوع «سمیتکس» در اختیار دارم. دو هزار دلار به عنوان پیش پرداخت دریافت می کنم و پس از قتل مغنیه ۲۰ هزار دلار دیگر دریافت می کنم.

عماد قرارگاه دائمی نداشت. بخوبی آگاه بود که افزون بر سازمان سیا، سازمان های جاسوسی و اطلاعاتی دیگری او را تعقیب می کنند. اجازه نداشت دو شب پیاپی در یک خانه و زیر یک سقف بخوابد. برای رد گم کردن از درهای اضطراری ساختمان ها خارج می شد. برای پیگیری فعالیت های او از چند دستگاه خودرو استفاده می کرد.

رابطت بایر در کتاب سقوط سیا می افزاید: «برای سازمان سیا امکان نداشت عماد مغنیه را برابری. فقط می توانستیم او را به قتل برسانیم. با این وصف من از هرگونه تصمیم گیری جدی ترس داشتم. میان رویدادهای سال ۱۹۸۲ لبنان با رویداد ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ نیویورک حدود ۲۰ سال فاصله وجود داشت. در آن مرحله سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا قتل و ترور مخالفان را ممنوع کرده بود. اما جرج دبلیو بوش پس از انفجارهای سال ۲۰۰۱ نیویورک این تحریم را شکست، و دست دستگاه های امنیتی و جاسوسی آمریکا را برای قتل و ترور افراد گوناگون باز گذاشت. هرگونه اقدام برای ترور عماد مغنیه در اوایل دهه هشتم از قرن بیستم پیامدهای خطرناکی در پی داشت. آرزو داشتم

مسئول انفجار سفارتخانه کشورمان را برابری. اما اختیارات کافی و اخلاقی برای صدور حکم اعدام او را نداشتیم. چنین تصمیمی را باید دولتمردان آمریکا اتخاذ می کردند.»

افسر ارشد سیا پس از گذشت حدود ۲۰ سال از پایان مأموریتش در بیروت از این که نتوانسته برای ترور عماد مغنیه تصمیم جدی بگیرد اظهار پشیمانی می کند. او در نتیجه گیری خود ادعا کرده که عماد مغنیه به اندازه اسامه بن لادن برای آمریکا خطرناک بوده است.

از سوی دیگر ریمه پوتریل رئیس پیشین سازمان اطلاعات فرانسه به بخش هایی از همکاری آمریکا و فرانسه در زمینه مبارزه با تروریسم اشاره کرده و نوشته است: اقدامات آمریکا برای تعقیب عماد مغنیه هیچ روزی متوقف نشده بود. اعتماد مسئولان و کارگزاران سازمان سیا به نحوه همکاری سازمان اطلاعات فرانسه در زمینه تلاش برای بازداشت عماد مغنیه نسبی بوده است. کارگزاران سیا در سال ۱۹۸۷ تصمیم گرفتند ما را بیازمایند. در آن سال مسئول سازمان سیا بطور مستقیم برای فرانسوا میتران رئیس جمهور پیشین فرانسه پیام بسیار مختصری ارسال کرد. در آن پیام چنین نوشته شده بود: عماد مغنیه فرمانده اورکستر خرابکاری حزب الله بزودی از یکی از فرودگاه های فرانسه عبور خواهد کرد. از همکاری شما برای بازداشت او بسیارگزاریم.»

پوتریل اضافه می کند: «میتران این پیام را برای پیر ژاکس وزیر کشور وقت فرستاد و از آن طریق برای سازمان اطلاعات فرانسه (D.S.T.) ارسال شد. کارشناسان ما این پیام را شناسایی و خیال پردازانه و تلاشی به منظور آزمودن میزان همکاری سرویس های اطلاعاتی فرانسه با آمریکا ارزیابی کردند. مقام های اطلاعاتی فرانسه به پیر ژاکس پیشنهاد کردند با اتخاذ تدابیر امنیتی در فرودگاه های اورلی و رواسیه در پاریس موافقت کند، اما او با این پیشنهاد به شدت مخالفت کرد.»

ریمه پوتریل گفته است که کارگزاران سازمان اطلاعات فرانسه بجای تلاش برای بازداشت عماد مغنیه که بسیاری از سرویس های اطلاعاتی و جاسوسی جهان در جستجوی او بودند، به وزیر کشور اطلاع دادند که مأموران فرانسوی تحرکات و رفتارهای مغنیه را زیر نظر دارند.

پوتریل ادعا کرده که مأموران سازمان اطلاعات فرانسه از بازداشت عماد مغنیه خودداری کردند. زیرا توان تحمل پیامدهای بازداشت و تحویل او را به آمریکایی ها نداشتند. امیدوارم ایرانی ها از این رفتار نیک فرانسوی ها به خوبی قدردانی نمایند.

رئیس پیشین سازمان اطلاعات فرانسه در خاطراتش نوشته است که سازمان او به منظور نشان دادن حسن نیت به آمریکایی ها تدابیر امنیتی فرضی به بهانه تلاش برای بازداشت عماد مغنیه در فرودگاه های فرانسه به مورد اجرا گذاشت، تا وانمود کند که با آمریکا در زمینه مبارزه با تروریسم بخوبی همکاری می کند. به هر حال هنگامی که چند فروند هواپیمای مسافربری مظنون در فرودگاه پاریس به زمین نشستند، مأموران فرانسه جلوی چشمان مأموران سازمان سیا بیهوده و زیرکانه عماد مغنیه را جستجو کردند. چند ساعتی نگذشته بود که رئیس سازمان سیا از فرانسوا میتران به خاطر این همکاری تشکر کرد.

دوازده سال بعد پاسکال اندیانی سخنگوی وزارت خارجه فرانسه در واکنش به شهادت عماد مغنیه به طرز زیرکانه ابراز تأسف کرد که چرا هیچ کسی نتوانست او را بازداشت و محاکمه کند. این گزارش نشان می دهد که سرویس های جاسوسی و اطلاعاتی کشورهای غربی قبل از هر چیز منافع کشورشان را در نظر می گیرند و در بسیاری مواقع با فریب و نیرنگ با یکدیگر برخورد می کنند. ■